



هدیه تهرانی - باران کوثری

«هدیه تهرانی» و «باران کوثری» نیز به ترتیب در «هم گناه» و «دندان طلا» به عنوان گزینه‌های بعدی، دارای اندک عناصر مشترکی از منظر و جابجایی فکری و وجدانی هستند. اولی آنچنان تحصیل نکرده است ولی در کساکش زندگی خویش چنین یاد گرفته است که زانوانش در مواجهه با مشکلات خم نشود، با فرزند خویش که ماحصل یک ازدواج ناموفق است ساده و فخیمانه زندگی می‌کند و میتوان او را در مثل، به کوهی از رنج و مشکلاتی تشبیه کرد که همچنان سعی دارد آشیانه آرامش فرزندش برهم نخورد و دومی نیز که دانشجوی رشته تئاتر از حوزه روحی است بسان شخصیت اول - به مدل خود - برای رسیدن به حقیقت به دل شیر می‌برد، خام است و جوان، اما ذهن کنجکاو دارد و نمیتواند به داشته‌های خود تا آنجا که منجر به تحولی نشوند اکتفا کند. به همین علت بر خلاف شخصیت بالا که به تغییر وضع شده بر سرنوشته‌ش تن داده است، این خود اوست که - به تناسب رشته‌اش - مسیر چگونگی تغییر را جهت میدهد.



مهران غفوریان - محسن تنابنده

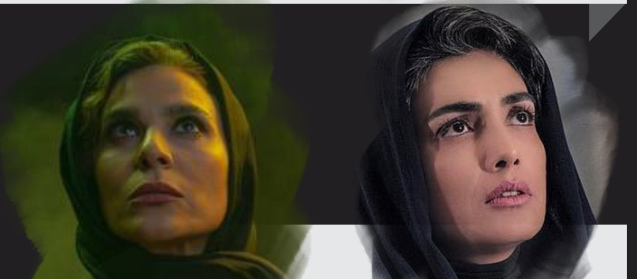
«مهران غفوریان» نیز که به عنوان یک بازیگر طنز و خوش ذوق در موقعیت‌های کمدی لحظه‌ای شناخته شده و پتانسیل بسیاری را در خلق شوخی‌های خاص خود داراست نیز این بار خلاف انتظار عموم، با کاهش وزن شگفت‌انگیزش در نقشی سرد، خطرناک، مرموز و درون‌گرا چنان ظاهر شده است که در مجموعه تکنیکال و قوام‌یافته «قورباغه» نیز - با وجود حضور کوتاه خود - به درستی مهر تثبیت و تایید را بر سمع و بصر مخاطب به عنوان یک اهرم تاثیرگذار می‌زند.

اما اگر بخواهیم به عنوان آخرین نمونه از ده شخصیت قابل تامل و خوب بازیگر مرد در شبکه نمایش خانگی بگویم باید به شخصیت چندچهره و تپیکال «محسن تنابنده» در مجموعه «شاهگوش» اثر «داوود میرباقری» اشاره کنیم. شخصیتی که با گریم، میم و پانتومیم بدنی خاص خود در سه نقش متفاوت «اسماعیل ذکاوت/حاج آقا طلایی/اسفندیار مجبور»، اولی خواننده‌های مهزوم، دومی شیخی رئوف و سومی رئیس شورای حل اختلافی فرصت طلب، چنان قدرتمند و باورپذیر در نقش‌های مکمل خود - در یک بستر کمدی - ظاهر میشود که میتوان از نظر من برای اولین بار - و به طور جدی - از استعداد «محسن تنابنده» شگفت‌زده شد.



هدی زین العابدین - سارا بهرامی - دیبا زاهدی

یاعی بودن، احساساتی بودن و اکت‌های متفاوت را در دو نقش هدی زین العابدین و سارا بهرامی در کرگدن به خوبی میتوان دید و اگر با اغماض بهرامی را به جای نقش اصلی، نقش مکمل ببینیم یکی از بازی‌های ماندگار او را در آخرین ساخته کیارش اسدی‌زاده شاهد بودیم. در این میان و از نسل جدید بازیگر جوانی مثل دیبا زاهدی با حضور قابل قبول در «نهنگ آبی» در «آقازاده» هم لحظات مثبت و اکت‌های درستی داشت و توانست با استفاده از صورت و بدنش به نفع نقش، خودش را تثبیت کند.



لیلا زارع - سحر دولت شاه

شخصیت «رها سلطانی» با نقش آفرینی «لیلا زارع» در مجموعه «ممنوعه»، باینکه در قطبی مخالف از مثال فوق فرار میگیرد اما به مدد بازی سرد، میمیک شکننده و تزلزل در امواج صدایش در بیان دیالوگ‌ها و بی‌رمقی در چشمانش به درستی شماییلی از زنی متاهل، مدرن، مذبذب، بددل، شکاک و مستاصل را به منصفه ظهور رسانده است. چنانکه در بطن سست و عقیم پیرنگ مجموعه «ممنوعه»، هم میتوان با او سمپات شد و او را حمایت کرد و هم میتوان او را مقصر دانست و شماتت کرد. شخصیتی خودخور و درون‌گرا که هر چه را از امورات باطل اطرافیان درجه اولش به او تحمیل میشود به صورت بی‌دفاع پذیراست و به درستی توانایی تصمیم‌گیری ندارد به همین علت چون در بستری کرم خورده و فاسد قرار دارد همگان او را به خاطر وسواس‌های فکری قابل تاملش ملامت میکنند، در حالی که او از وضعیت آنتروپی زندگیش رنجی میبرد که گویی برای دیگران یک مساله ساده و قابل رفع است.

با شمایل دیگری این زن شکست خورده اما قدرتمند که گاه هوش و زیرکی‌اش زیر سوال می‌رود و گاه تحسین برانگیز می‌شود، در بازی سحر دولت‌شاهی در سریال «قورباغه» دیده می‌شد و یکی از بازی‌های متفاوت این بازیگر در سریال هومن سیدی رقم خورد.